

# تفسیر سوره ناس (جلسه دوم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۳۹۹/۰۹/۲۸

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾  
الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

### ادامه بررسی تصرفات شیطان

در جلسه گذشته مرور شد که موضوع محوری سوره ناس پناه بردن به خداوند از وسوسه‌های شیطان است. برای فهم دقیق‌تر این موضوع نیاز است تا ابتدا وسوسه شناخته شده و سپس به این سوال پاسخ داده شود که پناه بردن به خداوند از وسوسه‌های شیطان چگونه است؟ با این حال باید توجه داشت که هرچند وسوسه یکی از تصرفات گوناگون شیطان است، اما برای فهم دقیق‌تر حقیقت و فرآیند وسوسه نیاز است تا رابطه‌اش با تک‌تک تصرفات شیطانی بررسی شود. به این جهت رابطه وسوسه با برخی از تصرفات شیطان از جمله اضلال، اغوا، استحواذ، احتناک و سلطنت بررسی شد. اکنون به بررسی رابطه سایر تصرفات شیطانی با وسوسه می‌پردازیم.

### نزغ

نزغ، وسوسه و تحریک شیطان به وادارسازی انسان به رفتار خشونت‌آمیز و غیردوستانه است. در آیه ۱۰۰ سوره یوسف «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»، آیه ۲۰۰ اعراف «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، آیه ۵۳ سوره مبارک اسراء «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا» و در آیه ۳۶ سوره فصلت «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» نزغ به این معنی استعمال شده است.

خداوند در آیه ۵۳ سوره مبارک اسراء می‌فرماید به کسانی که سخنان خوب می‌گویند در هنگام مواجهه شدن با سخن یا رفتار ناپسند دیگران باید مراقب نزغ شیطان باشند. در واقع نزغ به نوعی وسوسه در روابط اجتماعی است. یعنی شیطان رفتار ناپسند دیگران را در ذهن ما پرنرنگ کرده و ذهن ما را تحریک به رفتار نامناسب میکند.

در آیه ۳۶ سوره فصلت نیز خطاب به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید در مواجهه با نزع شیطان به خداوند پناه ببرد. البته می‌دانیم که پیامبر دچار نزع نمی‌شوند، پس اینجا هرچند در ظاهر خطاب به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شده است، اما در واقع خطاب به امت است.

## وعده دادن

وعده دادن از دیگر تصرفات ذهنی و قلبی شیطان است. وعده از مصادیق وسوسه بوده و زمینه‌ساز تحریک انسان به خطاست.

## آرزو سازی

تصرف دیگر شیطان آرزو سازی و تصویر وسوسه در جان انسان است. به این صورت که ابتدا شیطان تصویری از یک موفقیت را در ذهن ما ایجاد کرده و سپس آن را تزئین کرده تا اینکه در ذهن انسان به شکل آرزو در می‌آید. پس تمنیه، ثمره و نتیجه وسوسه است. پس از اینکه وسوسه تبدیل به آرزو شد، شیطان املاء (طولانی کردن آرزو) هم می‌کند.

## تزئین

کار دیگر شیطان تزئین است. تزئین در لغت یعنی زیباسازی چیزی که به ذات خودش زیبا نیست. قرآن کریم در آیه ۴۸ سوره مبارک انفال میفرماید «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ». شیطان به وسیله این تصرف گاه عیب‌های یک عمل را پوشانده و منافع آن را پررنگ می‌کند و بدین وسیله انسان را به سمت آن عمل ترغیب می‌کند و گاه محاسن و اعمال صالحه انسان را بزرگ‌تر از واقع نشان می‌دهد و انسان را دچار عجب و خودشیفتگی می‌کند. به این جهت تزئین هم پس از وسوسه است. چرا که ابتدا صورت را در ذهن القاء می‌کند و سپس آن را زیباسازی می‌کند.

## تسویل

تصرف دیگر شیطان، تسویل است. تسویل که به گفته برخی از لغت‌شناسان از ریشه سئل (به معنای مطالبه و درخواست) آمده است، مرحله تشدید شده تزئین و آن آرزو یا مطالبه‌ای قطعی و موکد است که ذهن و دل انسان را فرا گرفته و اراده انسان را مشغول به خود می‌کند. بنابراین تسویل مرتبه‌ای از تزئین است که در آن شیطان به پوشاندن عیب‌های انسان پرداخته و مسیر رسیدن به آن را آسان جلوه می‌دهد. پس تسویل هم به مانند تزئین پس از وسوسه است یا به عبارتی ثمره وسوسه است.

## تهدید و ترساندن

تصرف دیگر شیطان وعده به معنای تهدید و ترساندن است. شیطان به وسیله ترس در عاطفه انسانی (از مسیر تحریک قوه غضبیه) اثرگذارده تا ذهن انسان از اعمال صالح فاصله گیرد. به این گونه که پس از وسوسه کردن انسان در مقابل میل انسان به اعمال صالح، به وسیله برانگیختن عواطف (ترس) وسوسه خود را تثبیت می‌کند. قرآن کریم در آیه ۲۶۸ سوره مبارک بقره فرموده است «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

## فریب دادن

تصرف دیگر شیطان، غرر و فریب دادن است. در این تصرف، شیطان نسبت به اسماء و صفات الهی انسان‌ها را فریب می‌دهد. به این صورت که بسته به موقعیت و هدف شیطانی خود، برخی از اسماء و صفات الهی را در ذهن انسان کم‌رنگ و برخی را پررنگ‌تر می‌کند. به عنوان مثال در لحظه خطور وسوسه به ذهن و دل انسان آموزه‌های الهی به وسیله ترساندن انسان از عذاب و قهر خدا با وسوسه مبارزه می‌کنند، اما شیطان در آن لحظه رحمت و بخشندگی خداوند را در ذهن انسان پررنگ‌تر نموده و برخی صفات دیگر را از ذهن انسان می‌برد.

## إنساء

تصرف بعدی، إنساء یا فراموش‌سازی است. خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره مبارک یوسف «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ»، در آیه ۶۳ سوره مبارک کهف «قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي

الْبَحْرِ عَجَبًا»، آیه ۶۸ سوره مبارک انعام «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِنِكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» به این تصرّف شیطان اشاره نموده است.

این فراموش‌سازی گاه در مورد واجبات و وظایف دینی صورت می‌گیرد و گاه نسبت به امور دیگر این فراموش‌سازی را انجام می‌دهد. مانند اینکه شیطان آزادسازی یوسف علیه السلام از زندان را در ذهن دوستش فراموش‌سازی کرد. یا در داستان حضرت موسی علیه السلام هنگامی که همراه آن حضرت در مسیر ملاقات حضرت خضر علیه السلام، واقعه زنده شدن ماهی و افتادن آن به آب را فراموش کرده و آن را دیرتر به حضرت موسی علیه السلام اطلاع داد. در این نوع انساء شاید حرام الهی صورت نگیرد، اما صرف به سختی انداختن مومنین یا به تاخیر انداختن مسیر هدایت الهی برای شیطان کافی است.

### وحی به لشگریان خود

گاه شیطان به لشگریان جنّی و انسی خود وحی می‌کند. به این معنا که آموزه‌های به ظاهر منطقی را به ذهن آنها می‌گوید تا به وسیله این آموزه‌ها شبهه‌افکنی کنند. قرآن کریم در آیات شریف ۱۱۲ و ۱۲۱ از سوره مبارک انعام فرمود «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَكَوْشَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» و «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ». در نتیجه این فرآیند، شبهات در ذهن انسان‌ها اثر کرده و آنها را نسبت به آموزه‌های دینی سست نموده و راه برای اثرگذاری وسوسه‌های شیطان در آنها باز می‌شود.

### فرآیند وسوسه

مشخص شد که تصرّفات شیطان رابطه تنگاتنگی با وسوسه‌های او دارند. به این صورت که برخی از آنها از مقدمات، برخی دیگر مصادیق و گروهی دیگر نتایج وسوسه هستند. اکنون پس از فهم جایگاه وسوسه، نوبت به آن می‌رسد که فرآیند وسوسه را دقیق‌تر بررسی نموده و به این جهت نیاز است تا فرآیند صدور افعال در انسان را بررسی نماییم. فرآیند صدور افعال از انسان را علما اخلاق و فلاسفه به طور مفصل بحث کرده‌اند.

## فرایند صدور افعال انسان

به طور خلاصه می‌توان گفت که فرآیند صدور افعال از انسان از چهار مرحله تشکیل شده است. ابتدا تصور و تصدیق فعل، امکان پذیر بودن و منافع آن فعل در ذهن شکل می‌گیرد. سپس شوق نسبت به انجام یا ترک عمل در انسان شکل می‌گیرد. این شوق از قوه شهوت و قوه غضب انسان نشأت می‌گیرد. پس از به وجود آمدن شوق در ذهن انسان، تصدیق‌های مغایر در ذهن انسان رخ داده و موانع انجام یا ترک فعل مدنظر را در ذهن مشخص می‌کند. به عنوان مثال، هنگامی که انسان احساس گرسنگی می‌کند صورتی از غذا خوردن در ذهن انسان ایجاد می‌شود، سپس قوه شهوت تحریک شده و شوق غذا خوردن را در وجود انسان پدید می‌آورد. مرحله بعد ممکن است صورت‌هایی مغایر با شوق وجود بیاید. مثلاً خوردن این غذا با باورهای دینی مغایر است یا با هنجارهای اجتماعی مغایر است یا برای سلامتی انسان مضر است و یا دیگر مواردی از این قبیل.

پس از به وجود آمدن این صور مخالف، یک نزاع درونی میان خواست‌ها و صور موانع شکل می‌گیرد و در نهایت عقل عملی انسان بسته به اینکه کدام یک از این‌ها قوی‌تر است انتخاب می‌کند. یا به تعبیر فلاسفه، بسته به قوت و ضعف صور ذهنی یک نوع اجماع ذهنی در انجام یا ترک فعل شکل گرفته و عزم پدید می‌آید. این عزم منجر به حرکت قوای جسمی انسان برای انجام یا ترک فعل می‌شود.

## جایگاه وسوسه در فرایند صدور افعال انسان

پس از فهم فرآیند صدور افعال انسانی، اکنون نوبت بررسی جایگاه وسوسه در فرآیند صدور افعال انسان می‌رسد. شیطان ابتدا صورت ذهنی انجام عمل مورد نظر خود را در ذهن انسان ایجاد می‌کند. سپس به وسیله تزئین و تسویل، ترساندن و فریب دادن و... نسبت به انجام آن عمل خاص ایجاد شوق می‌کند. به این صورت که فواید و منافع آن عمل در ذهن برجسته می‌نماید. در این مرحله صورت‌های مغایر در ذهن پدید می‌آید. یعنی ایمان یا هنجارهای اجتماعی یا... آن فرد صورت‌های ذهنی مخالفی را با خواست ناصواب شیطان وجود می‌آورد. در اینجا شیطان با فریب دادن و تزئین و... وارد شده و تلاش می‌کند تا موانع و مزاحمت موجود بر راه خواست ناصواب خود را کم کند. در این مرحله اگر باورهای دینی یا هنجارهای اجتماعی و... از قدرت بالایی برخوردار نباشند، تصرفات شیطان می‌تواند به راحتی آن‌ها را کنار زده و صور انحرافی خود را غالب نماید.

## معنای پناه بردن به خداوند از وسوسه شیطان

اکنون پس از مرور توانایی‌های شیطان و فهم فرآیند وسوسه و لوازم و مقدمات و موخرات و تاثیر آن بر انتخاب انسان‌ها، نوبت به آن می‌رسد که به پناه بردن از وسوسه شیطان به خداوند بپردازیم.

قرآن کریم گاهی می‌فرماید پناه ببرید به خداوند به مانند آیه اول سوره مبارک مَبَاکِ نَاسٍ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و در آیه ۲۳ سوره مبارک یوسف علیه السلام «وَرَأَوْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» که از مصدر ثلاثی مجرد استفاده نمود. گاهی نیز می‌فرماید از خداوند طلب پناه کنید به مانند آیه ۹۸ سوره مبارک نحل «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» داشته باشید. البته باید توجه داشت که گروهی از مفسران گفته اند استعمال باب استفعال در اینجا با همان معنی ثلاثی مجرد است. اما برخی از مفسرین به مانند علامه طباطبایی رحمت الله علیه فرموده اند که دلیلی ندارد که به معنای ثلاثی مجرد به کار رفته باشد؛ بلکه به معنای خود استفعال است. یعنی از خداوند بخواهید به شما پناه بدهد.

در نتیجه اینگونه باید گفت که هر پناه بردنی لزوماً به پناه گرفتن منجر نمی‌شود. بلکه باید از خداوند نیز در این مسیر طلب کمک کرد. یعنی انجام کار با شماسست اما نتیجه آن با خداوند متعال است. لازم به ذکر است که این اصل در آیات دیگری نیز به کار رفته است، مانند آیه ۱۸۳ سوره مبارک بقره که فرمود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که روزه گرفتن با ماست اما لزومی ندارد که هر روزه‌داری در جمع متقین وارد شود و این نتیجه را خداوند باید عطا کند.

در موضوع اسلام آوردن حضرت ابراهیم علیه السلام هم چنین است. قرآن کریم در آیه ۱۳۱ سوره مبارک بقره می‌گوید که ایشان گفت «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» و در آیه ۱۲۸ سوره مبارک بقره اشاره می‌کند که ایشان در جایی دیگر گفت «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». یعنی رسیدن به حقیقت تسلیم کار خداوند است. یا در ابتدای نبوت، مطابق آیه ۷۹ سوره مبارک انعام حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» و مطابق آیه ۳۵ سوره مبارک ابراهیم علیه السلام در جایی دیگر خدمت خداوند متعال عرض کرد که «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ». بر اساس این اصل، خداوند

متعال می‌گوید که کوشش کنید اما بدانید که نتیجه کار با خداست. یعنی یک نوع التجاء و طلب قلبی از خداوند نیز نیاز است.

## معنای "قل"

در اولین آیه سوره مبارک ناس، قرآن کریم می‌فرماید «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ». باید دقت داشت این پناه بردن به صرفِ گفتن نیست. اینطور نیست که تمام تصرفات و توانایی‌های خارق العاده شیطان صرفاً با گفتن «أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» تمام شود. اصولاً واژه قُل و مشتقات آن، گاه در معنای گفتن به کار می‌رود و گاه در معنای رسیدن به حقیقت مقول قول است. یعنی به باطن و عمق قول رسیدن است.

به عنوان مثال در آیات شریفه ۱۵۵ تا ۱۵۷ از سوره مبارک بقره خداوند متعال می‌فرماید «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (۱۵۶) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)» در اینجا علامه فرمودند که صلوات خداوند برای کسانی که صرفاً گفتند یا صرفاً به ذهنشان خطور کرد نیست، بلکه برای کسانی است که با عمق جانشان حقیقتاً به این باور شهودی رسیده باشند؛ یعنی به «انا لله» رسیده‌اند.

بنابراین آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» نیز صرفاً به معنای گفتن یا خطور کردن نیست، بلکه به معنای این است که انسان حقیقتاً به این مرتبه پناهندگی رسیده باشد، کسی که به مرتبه پناهندگی رسیده باشد اهل مراقبه است و دائماً از وسوسه‌های شیطان ترسان است. در این مورد حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند که تَحَرُّزٌ مِنْ إِبْلِيسَ بِالْخَوْفِ الصَّادِقِ<sup>۱</sup> تا اینکه حقیقتاً انسان مراقب و ترسان نشود، نمی‌توان از شرّ وسوسه‌هایش پناه گرفت.

اکنون لازم است بررسی کنیم که اصولاً پناهندگی به چه معنا بوده و از چه چیزی و به چه چیزی باید پناهنده شویم؟ مرور شد که میدان عمل شیطان ذهن و قلب ماست. قرآن می‌فرماید همین ذهن و قلب را در پناهگاه خداوند قرار دهید. یعنی در واقع از قلب و ذهن و عقل عملی<sup>۲</sup> خود مراقبت کنید تا دچار وسوسه‌های شیطان نشوید. در این زمینه قرآن کریم در آیه ۱۹۷ از سوره مبارک فرموده است «الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا

<sup>۱</sup> بحار الأنوار: ۱/۱۶۴/۷۸

<sup>۲</sup> عقل نظری در حوزه هست ها و نیستها فعال است. در هستی شناسی و انسان شناسی و... سخن می‌گوید. اما عقل عملی از سعادت‌مند و شقاوت‌آوری افعال سخن به میان می‌آورد.



رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» از من بترسید ای صاحبان عقل. در اینجا خداوند میان صاحب لب (صاحب عقل خالص) و تقوا ملازمه ایجاد کرده است. یعنی لازمه رسیدن به عقل خالص تقواست. لازم به ذکر است که لب در اینجا به معنای عقل عملی است، چرا که میان عقل نظری و تقوا ملازمه نیست. ان شاء الله در جلسه آتی آیات و روایات بیشتری را در این زمینه بررسی خواهیم نمود.